

جایگاه ادب‌ورزی و شعر کودک در حوزه

اشاره: تقی متقی (متولد ۱۳۴۰) از شاعران و محققان ادبی حوزه است و سال‌ها است که در زمینه شعر و ادبیات کودک، فعالیت می‌کند. مسئولیت کتابخانه ادبی آیت الله سیستانی، عضویت در انجمن قلم حوزه و انجمن نویسندگان کودک و سردبیری مجله فرهنگ جهاد، پاره‌ای از فعالیت‌های مؤثر وی در سال‌های اخیر است. علاوه بر مقالات بسیار، کتاب‌های زیر از وی منتشر شده است:

افلاکی خاکی؛ ما آن شقایقیم؛ گل، باد، باران؛ چشم در چشم سکوت؛ دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب؛ ۵۹ نکته درباره امام زمان (عج)؛ انتظار پویا؛ نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم؛ بزغاله خانم؛ ابرهای دوره گرد شاعرند؛ مشعل‌های شعله‌ور؛ گل آغاز بهار؛ آوازهای ارغوانی؛ علمداران سرفراز.

نمونه‌ای از شعر تقی متقی با عنوان «گل و نور و صدا»:

باز هم در باغ، بید

مو پربشان کرده است

باز هم مهتاب را

باغ، مهمان کرده است



اطلسی های قشنگ

پای دیوار حیاط

کف زنان کردند پهن

سفره شور و نشاط

بادها در های و هوی

ابرها در جنب و جوش

آسمان، مهتاب پاش

بوته ها آئینه پوش

خاک در غوغای رنگ

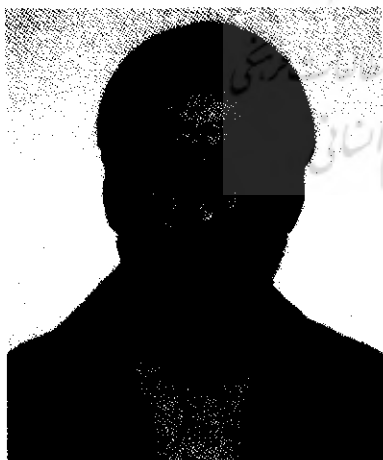
غرق آواز خدا

باز هستی پر شده است

از گل و نور و صدا

❦ چه دلایلی، پرداختن به ادبیات را در حوزه ضروری می کند؟

● حمایت معصومان (ع) از شعر و ادبیات متعهد، دلیلی است بر پرداختن به هنر و ادبیات در



حوزه. علوم ادبی، زمینه درک و دریافت درست از آیات و احادیث (دین) را فراهم می آورند. نیز منبر، امروزه فقط در چهار دیواری مساجد محصور نیست، بلکه وجوه قلمی و نوشتاری را نیز شامل است؛ چه آنکه یکی از شاخه های ادبیات، ادبیات تعلیمی (ارشادی) است و ارشاد به معنای راه یابی و حق نمودن و به حق و درستی رهنمون گردیدن است.

در این زمینه اشعار سنایی، عطار، مولانا، نظامی، سعدی، مکتوبات خواجه عبدالله

انصاری، تذکرة الاولیا، اسرار التوحید، حکایات گلستان - باب دوم در اخلاق درویشان -، بوستان، جام جم اوحدی و قصاید ناصر خسرو قبادیانی شایان ذکر است.

پیشینه ادبی - هنری حوزه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● پیشینه ادبی - هنری حوزه، پیشینه‌ای کهن، ریشه دار و درخشان است. جنبه‌های زیباشناختی و کلامی - ادبی قرآن و نهج البلاغه، بزرگ‌ترین پشتوانه و سرآغاز آفرینش‌های هنری و ادبی است. بزرگان ادب فارسی نیز شاگردان حوزه‌اند؛ بزرگانی چون حافظ، سعدی، مولانا، نظامی، عطار و... و در قرون بعد، شیخ محمود شبستری، میرزا حبیب خراسانی، الهی قمشه‌ای، امام خمینی، علامه طباطبایی، حسن زاده آملی، مقام معظم رهبری و... مثلاً حجم وسیعی از کتاب گرانسنگ الغدیر علامه امینی به نقل اشعار و غدیریه‌ها اختصاص دارد که این مسئله، حاکی از آن است که هنر تا چه میزان می‌تواند در خدمت ثبت و ضبط وقایع تاریخی - فکری به منزله آینه‌ای شفاف و رسانه‌ای حق‌گرا و اطلاع‌رسان عمل کند. حوزه‌های علمی به معنای خاص هم شاعران بزرگی داشته است؛ بزرگانی چون ملا احمد نراقی، فیض کاشانی، فیاض لاهیجی، حزین لاهیجی، میرزا حبیب خراسانی، ملا هادی سبزواری، صفای اصفهانی، الهی قمشه‌ای و... .

اکنون را چگونه می‌بینید؟

● در مثل است «آن که غربال دارد از پشت سر می‌آید». وضع فعلی را چون خود در آنیم و در جریان است و به کمال و پایش نرسیده - مثل سریال‌های سیما - باید پس از رسیدن به کمال سنجید و آن را آیندگان باید به قضاوت بنشینند. اگر چه پس از انقلاب اسلامی رویکرد خوبی از سوی طلاب جوان به ادبیات - به ویژه شعر - شده است و این، مایه امید و دلگرمی است، اما هنوز انتظار می‌رود که بر قُطر و کیفیت این کتاب افزوده شود و کارهایی ماندگار «که از باد و باران نیابد گزند» از این میان چهره نماید.

آیا نگاه ابزاری به قلم و ادبیات، در تولیدات کتب حوزه مفید و مؤثر است؟

● در گذشته تا حدود زیادی چنین نگاهی وجود داشته و مفید بوده است. برخی از آثار سروده شده با این نگاه عبارتند از: منظومه ملاحادی سبزواری، گلشن راز شیخ محمود

شبیستری نصاب الصبیان ابونصر فراهی، الفیه ابن مالک.

شمار تقریباً فراوان آثاری از این دست در متون نظم حوزه، بیشتر نشانه استفاده ابزاری از شعر و نظم (ادبیات) در تولیدات کتبی حوزه است و جنبه آموزشی دارد تا شاعری؛ هرچند گاه ابیات ناب شعری نیز در این آثار تعلیمی یافت می شود.

چه بخواهیم، چه نخواهیم، دشمنان دین و فرهنگ و انقلاب ما از قلم و ادبیات بر ضد داشته ها و کیان ما استفاده می کنند. حجم عظیم رنگین نامه ها - از کتب، اشعار، مقالات و نشریات - دلیل این مدعا است، چرا حوزه استفاده نکند؟!

به علاوه، ارشاد و هدایت خلق و تبلیغ دین، وجوه فراوان تری یافته که یکی از آنها نوشته ها و مکتوبات است؛ پس چه بهتر که حوزه نیز در نوشته های خود با ادبیاتی سخن بگوید که عمق و ژرفای بیشتری داشته و میزان نفوذ و گستره اش به واسطه استفاده از عناصر ادبی، عمیق تر و ماندگارتر باشد.

پیشنهاد: چرا وجهه و جنبه ادبی - هنری آثار حوزوی در اعصار اخیر رو به سستی و کاستی نهاده است؟
● بخشی از این مسئله بر می گردد به توطئه دشمنان که تصویری مکرره و منفی از ورود در صحنه ادب و هنر برای عالمان مسلمان نشان داده اند تا از قدرت اثر گذاری بیان و قلم آنان بکاهند؛ بخشی نیز بر می گردد به تلاش برای کشاندن هنرمندان مسلمان و گاه حوزوی به سوی جریان های روشنفکری؛ بخشی نیز بر می گردد به غفلت حوزویان از این جنبه یا عدم آگاهی از میزان اثر گذاری آن؛ بخشی دیگر بر می گردد به کسالت و تبیلی و از این جور چیزها.

پیشنهاد: شعر و داستان ملی، چه اندازه و امدار اندیشه و فرهنگ حوزوی است؟

● برای آنکه سؤال را بهتر مطرح کنیم، ابتدا باید نسبت میان اندیشه و فرهنگ حوزه و اسلامی را مشخص کنیم. به نظر بنده با اندک مسامحه ای می توان اندیشه و فرهنگ حوزوی را همان اندیشه و فرهنگ اسلامی دانست و نسبت میان آنها را عموم و خصوص مطلق پنداشت؛ چه آنکه اندیشه و فرهنگ حوزویان می باید اسلامی باشد. بر این اساس، طرح سؤال بدین صورت صحیح تر است که «شعر و داستان ملی چه اندازه و امدار اندیشه و فرهنگ اسلامی است؟»

معارف دینی یا به تعبیر دیگر معارف حوزوی بر شاعران گذشته ما تأثیر بسیاری داشته به حدی که نمی‌توان مثلاً شعر کهن را بدون این معارف دینی و مباحث حوزوی مجسم کرد. به راستی اگر از اشعار ملی - میهنی ما چون شاهنامه، بوستان، الهی‌نامه، دیوان حافظ، مثنوی معنوی و ده‌ها اثر دیگر، مفاهیم اسلامی - مذهبی را خارج کنیم، آیا چیزی برای عرضه باقی خواهند ماند؟ آیا مثنوی معنوی مولانا یا اشعار حافظ - که همه بیت‌الغزل معرفت است - بدون فرهنگ اسلامی و آموزه‌های آن، معرفتی را برای جوامع انسانی دربر دارند؟

پرسش: چه نوع آموزش‌هایی را برای حوزویان مفید و ضروری می‌دانید تا به بهبود وضع منشورات حوزه کمک کند؟

● علاوه بر آموزش‌هایی که هم اکنون در مدارس رایج است، باید به ادبیات و علوم ادبی - فارسی و عربی - و گونه‌های امروزی آن، حتی آشنایی با هنرهای تصویری و نمایشی چون سینما و نقد فیلم توجه داشت. اگرچه هم‌اکنون در برخی مدارس چنین رویکردی در حد محدود مشاهده می‌شود.

تدریس نگارش و ویرایش و نقد ادبی و آموزش گونه‌های ادبی را حوزه باید جدی‌تر بگیرد تا در آینده روحانیان فاضل و متعهد، اندیشه و فرهنگ اسلامی را در لباس زیبا و فاخر ادبیات و هنر عرضه کنند، که چنین متاعی همیشه خریدار دارد و رمز ماندگاری هر فکر و اندیشه‌ای آمیختگی آن با هنر و عرضه آن به اسلوب هنری است.

پرسش: از میان انواع ادبی، کدام یک را برای حوزویان لازم‌تر می‌دانید و حوزه در کدام یک از شاخه‌های ادبی - هنری، تولیدات مرغوب‌تری داشته است؟

● بنا به مقتضای زمانه و پسند انسان امروزی، نگارش داستان و رمان را برای حوزویان ضروری‌تر می‌دانم؛ چنانچه سفارش رهبر معظم انقلاب نیز که پیش‌تر در میان جمعی از نویسندگان مطرح فرمودند، همین بوده است؛ اگرچه به واسطه کثرت شاعران و حجم آثار عرضه شده در زمینه شعر، شاید بتوان گفت که حوزه در این شاخه هنری تولیدات مرغوب‌تری دارد.

❦ در مجموع، آیا تولیدات ادبی حوزه در خور جایگاه فکری و مردمی حوزه است؟

● با توجه به داشته‌های حوزه در زمینه شعر و داستان و نقد و...، فکر می‌کنم که از حوزه انتظار بیشتری می‌رود؛ اگرچه تولیدات ادبی حوزه، به واسطه حُجب و حیای اغلب پدیدآورندگان آنها، کمتر عرضه می‌شود و در معرض نقد و نظر قرار نمی‌گیرد.

❦ شعر کودک را در حوزه‌های علمیه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● اگرچه از عمر شعر کودک در ایران بیش از سه چهار دهه نمی‌گذرد، اما در این دوران اندک، به‌خصوص در دو دهه اخیر، قطار شعر کودک حرکتی سریع داشته است و خیل عظیم شاعران جوانی را که در این دو دهه به تناوب سوار بر این قطار سریع السیر شدند و می‌شوند، هرگز نمی‌توان از لحاظ کمی با شاعران پیش از این مقایسه کرد.

امروزه به راحتی می‌توان در بسیاری از استان‌های کشور، شاعرانِ کودکانه‌سرا را سراغ گرفت و در مجموعه‌های فراوان شعر منتشر شده در این سال‌ها، انگشت تأمل بر شعرهای خوب نهاد. استان کوچک قم با حوزه بزرگ علمی‌اش، یکی از این استان‌ها است. پس از تهران، بیشترین شاعران کودکانه‌سرا در قم است. از این رو عجیب نیست که در این استان، سراغ از شاعران طلبه کودکانه‌سرا بگیریم و جایگاه آنان را در این مجموعه به تماشا بنشینیم.

جریان نوپای شعر و نقد شعر کودک در حوزه علمیه قم، اگرچه به‌طور رسمی از سال ۱۳۷۲ در «مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان» دفتر تبلیغات اسلامی بنیان نهاده شد، اما این گروه از طلاب علاقه‌مند به شعر و ادبیات که خود را در فضای صمیمی و دوست‌داشتنی و تا حد زیادی متفاوت با حال و هوای شعر بزرگسال می‌یابند، چنان دلدادۀ این فضا شده‌اند که جز به ندرت راضی به تعطیلی جلسات منظم هفتگی «شعرخوانی و نقد شعر» خود نمی‌شوند. آنچه کار این گروه را از دیگر شاعران متمایز می‌کند، رویکرد ویژه آنان به شعرهایی با درون‌مایه‌های مذهبی است. البته از روحانیت که طلایه‌دار تبیین و تبلیغ مذهب و معارف الهی هستند، انتظاری جز این نمی‌رود که در وادی هنر نیز با نگاهی و حیانی و قدسی به عالم و آدم بنگرند. شاید بد نیست که برخی از شاعران حوزه را که در زمینه شعر کودک، تجربه‌های موفق دارند، اینجا نام ببریم؛ کسانی مانند مجید ملامحمدی، یحیی

علوی فرد، محمد منصوری، محسن صالحی، سعید عسگری، علیرضا روحانی، محمد جبرئیلی، محمدرضا میرزایی.

کارنامه این گروه کوچک که البته اعضای دیگری نیز دارد، بسیار درخشان است و گام‌های مؤثری در زمینه شعر کودک و نوجوان برداشته‌اند. باید توجه داشت که شعر کودک، ظرافت‌ها و ظریفیت‌هایی دارد که از نگاه اکثر اولیا و مدیران حوزه مخفی مانده است. با سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان نتایج بسیاری گرفت؛ زیرا این شاخه ادبی، با روح‌های معصوم و پاکی سر و کار دارد که می‌تواند با کمترین کلمه و هزینه در آنها تأثیرات ماندگار و عمیق بگذارد.

پیشنهاد: آیا مطالعه آثار دگر اندیشان را برای بهبود وضع موجود توصیه می‌کنید؟

● آری، می‌تواند انگیزه برای کار را در خودی‌ها فراهم آورد. طبیعتاً وقتی انسان در عرصه کارزار ببیند که دشمن به سلاح جدید و کاری تری دست یافته، این انگیزه در او به وجود می‌آید که خود نیز بدان سلاح دست یابد و حتی بهتر و قوی‌تر از آن را فراچنگ آورد. به علاوه، بسیاری از این آثار با نهایت دقت و ظرافت و هنرمندی سامان پذیرفته‌اند و برای کسانی که در همان رشته‌ها کار می‌کنند، نکات آموزشی زیادی می‌توانند داشته باشند؛ منتها مطالعه آن دسته از آثاری را که محتوای منحرفی دارند برای کسانی که از اندیشه ناب اسلامی اشباع نشده‌اند، توصیه نمی‌کنم.

پیشنهاد: بسیار ممنون و سپاس‌گزاریم و از خداوند برای شما توفیقات بیشتری را خواستاریم.

● بنده نیز از شما و مجله گرامی پژوهش و حوزه که ویژه‌نامه‌ای را به ادبیات اختصاص داده‌اید، ممنونم. امیدوارم همچنان به موضوع هنر و ادب بپردازید و بر رونق این متاع معنوی بیفزایید.